

هو العليم

روش‌شناسی کشف مذاق شارع

(مطالعه موردی: حکم رجوع در هبه زوج به زوجه)

چکیده:

استفاده از «مذاق شارع» برای دستیابی به حکم شرعی، از استنادهای پرتکرار در فقه است؛ با این وجود، در کتب فقهی و اصولی، سرفصل مستقلی برای تنقیح بحث «مذاق شارع» منعقد نشده است. مذاق شارع را دیدگاه، رویکرد، روش و عملکرد شارع در جعل احکام دانسته‌اند. مساله این مقاله، چگونگی کشف مذاق شارع در صحنه میدانی اجتهاد و تفقه است. در این مقاله سعی شده است تا مراحل قدم‌به‌قدم و الگوریتمی کشف مذاق شارع ارائه شود. در بدنه مقاله اثبات شده است که «مذاق شارع»، برآیند فهم فقیه از شبکه‌ای از گزاره‌های دالّ بر: نظام معرفتی دین (خصوصیات شارع، خصوصیات انسان و جامعه) + مقاصد الشریعه + مجموعه آیات الاحکام + مجموعه قواعد فقه + اولویت‌های شارع و مصلحت‌های او + اشباه و نظائر حکم (براساس قرائت شیعی) + مجموعه احکام قطعی تعیین‌کننده مرزها (واجب و حرام) + مجموعه احکام قطعی تعیین‌کننده پسند شارع (مستحبات و مکروهات) + اصل‌های عملی است. در انتهای مقاله نیز مراحل پانزده‌گانه‌ای برای برآیندگیری از موارد فوق، توصیف شده و بر اکتشاف مذاق شارع در مساله «حکم رجوع زوج از هبه به زوجه» تطبیق شده است.

کلیدواژه‌ها:

فقهات و اجتهاد، روش‌شناسی، الگوریتم اجتهاد، مذاق شارع، هبه زوج

The methodology of discovering the view of Sharia

(Case study: Referral ruling in gift from husband to wife)

Abstract:

The use of "Mozaq Shariah" to reach a Shariah ruling is one of the most frequent references in the analyzes of Shia jurists, in jurisprudence and principles books, there is no separate chapter for the revision of "Mozaq Shariah", so it needs to be discussed and investigated.

The Sharia's point of view is considered to be the approach of the method and performance of the Shariah in falsifying rulings, the problem of this article is how to discover the Sharia's point of view in the field scene of ijtiḥad and fiqh. In this article, an attempt has been made to present the step-by-step and algorithmic steps of discovering "Mozaq Shariah".

In the body of the article, it has been proved that "Maqaq Shariah" is the result of the jurist's understanding from a network of propositions indicating: the cognitive system of religion (characteristics of the Shariah, characteristics of man and society) + the purposes of the Shariah + the set of jurisprudence rules + the priorities of the Shariah. And his expedients are + similar's (according to Shia readings) + a set of definitive rulings determining the boundaries (obligatory and forbidden) + a set of definitive rulings determining what is acceptable and permissible + the way of the wise.

At the end of the article, fifteen steps are described for the conclusion of the above cases, and they are applied to the discovery of the legal point of view in the matter of "judgment of the spouse from gift to wife".

Keywords:

Jurisprudence and Ijtihad, Methodology, Ijtihad Algorithm, viewpoint of Sharia, Marriage Gift

مقدمه و پیش‌نیازها (مسئله بحث، مفاهیم کلیدی، پیشینه)

مواجهه با استنادهای مکرر فقهاء به «مذاق الشارع» (یا مترادف‌هایی مانند روح الشریعه، مذاق فقه، مذاق اصحاب، شَمّ الفقاهه، دأب الشارع)^۱ نشان‌دهنده طریقت^۲ و قرینیت^۳ آن برای کشف حکم است؛ تعابیری مانند تعابیر زیر بیانگر اهمیت مذاق شارع در عملیات استنباط است:

«فهم الأصحاب مقدّم، لأنهم أدرى بمذاق الشارع وأعلم» (شیخ انصاری، المکاسب، ۸/ ۲۵۲)، «نظرا إلى عموم الملاك المستفاد من مذاق الشارع» (محقق اصفهانی، حاشیه المکاسب، ۸/ ۴۲۵)، «انما التزمنا بذلك لعلنا من مذاق الشارع» (حلی حسین، دلیل العروه الوثقی، ۱۷۵/۴).

در کتب فقهی و اصولی، بحث مستقلی در مورد شاخص‌های مذاق شارع و چگونگی دست‌یابی به آن بیان نشده است؛^۴ یکی از مذاق‌پژوهان نیز چنین آورده است: «دست‌یابی به یک متدلوزی برای دست‌یابی به مذاق نیاز به اندیشه بیشتر و کاوش دارد.» (حکمت‌نیا، ۱۶).

دقیق‌سازی استناد به مذاق شارع حداقل دو اثر معنادار خواهد داشت: الف: ایجاد ضابطه برای قضاوت در استنادهای فقهی ب: ایجاد ضابطه و روش برای استفاده از مذاق در استنادات فقهی.

۱/۱ - مساله اصلی مقاله:

مساله اصلی مقاله را می‌توان با این عبارت بیان کرد: چگونه مذاق شارع را کشف کنیم؟ (مراحل قدم‌به‌قدم برای کشف مذاق شارع - الگوریتم کشف مذاق شارع - چیست؟)

۱/۲ - مفاهیم کلیدی:

مفاهیم کلیدی در این مقاله عبارتند از: روش، روش‌شناسی، الگوریتم و مذاق شارع.

الف- در تعریف اصطلاحی «روش و روش‌شناسی» چنین آمده است: «روش، تعیین مراحل انجام یک کار است و روش‌شناسی، بیان اصول نظری و چهارچوبی است که مسئولیت‌روایی و پایایی تولید معرفت و استفاده از یک روش را به‌عهده دارد.» (ایمان، ۲۱ و ۳۹). براساس این تعریف از روش و روش‌شناسی، در این مقاله باید هم به نظریه‌های پشتیبان از روایی (حجّیت) و پایایی مذاق شارع اشاره شود و هم مراحل دست‌یابی به مذاق شریعت بیان شود.

ب- در تعریف و توصیف «الگوریتم» چنین بیان شده است: «اصطلاح الگوریتم از ریاضیات اخذ شده است و به معنی تعیین منطقی مراحل قدم‌به‌قدم حل یک مساله یا انجام یک کار است (فرهنگستان ادب فارسی، دفتر اول)؛ در الگوریتم‌ها این مراحل باید به طوری بیان شود که تمام جزئیات اجرایی با رعایت ترتیب و تعیین نقطه شروع فرآیند تا نقطه پایان آن، بدون هیچ حفره و پرشی در مراحل اجرایی باشد و تمام عملکردهای ناخودآگاه و ارتکازی به خودآگاه تبدیل شوند.» (آکسفورد، ۲۹):

^۱ صاحب جواهر در موارد متعدد از این تعابیر استفاده کرده است. (رک. نجفی محمدحسن، ۶۱۷/۴، ۲۸۳/۳، ۳۵۰/۹، ۴۷۳/۱۲ و ...)

^۲ یعنی از جنس ادله مُحَرَّزه است.

^۳ یعنی به تنهایی کفایت نمی‌کند بلکه در رسیدن به تراکم ظنون یا ترجیح‌ها یا تنقیح موضوع حکم موثر است. (لجنة الفكر المعاصر، ۱۳۹۸ ش، ص ۲۳۴ تا ۲۳۸)

^۴ در کتاب جدیدالاثَر «الفاائق فی اصول الفقه» سرفصل «مذاق الشرع» به‌عنوان بحث مستقل مطرح شده است که در این مقاله اشاراتی به آن خواهد شد.

الگوریتم‌ها ابزاری برای دقیق‌ازی روش‌ها هستند. توضیحات تفصیلی‌ای در مورد الگوریتم و استفاده از آن در فرآیند اجتهاد در مقاله «ماهیت‌شناسی الگوریتم اجتهاد» از همین قلم آمده است (واسطی، ۲۲۱).

ج- در بیان مقصود از اصطلاح «مذاق شارع» چنین گفته شده است:

«ما ینفدح فی ذهن المجتهد من تتبّع الأدلّة بالانبعاث عن الذّوق السّلیم و الإدراک المستقیم بحیث یکون مفهوما له من مجموع الأدلّة» (ترجمه: مذاق شارع، معنایی است که در ذهن مجتهد روشنند، براساس برآیند حاصل از بررسی مجموعه ادله شرعی حاصل می‌شود.) (کاشف الغطاء، ۳۲).

در کتاب جدیدالآثر «الفائق فی اصول الفقه» نیز ابتدا مقصود از «مذاق» و سپس تعریف «مذاق شارع» شده است که ترجمه آن چنین است:

«مراد از مذاق شارع، روش و رویکرد و عملکرد شارع در جعل احکام است که از مجموعه دستورات و مبانی و موضع‌گیری‌های او به دست می‌آید به طوری که می‌توان حکم او را در موقعیت‌هایی که به صراحت حکمی بیان نکرده است به دست آورد.»^۵ (لجنة الفقه المعاصر، ۲۵۶).

توضیح و تحلیل این تعاریف و تمایزهای آن با موارد مشابه در ادامه مقاله آمده است.

۱/۳- پیشنهاد بحث:

علاوه بر کتاب «الفائق فی اصول الفقه» که در بالا اشاره شد، کتاب «مفهوم و حجیت مذاق شریعت در فرآیند استنباط احکام فقهی» (علی‌شاهی ابوالفضل) به تفصیل به بحث مذاق شارع پرداخته است؛ هم‌چنین مقالات زیر بر این بحث متمرکز شده‌اند: «مذاق شریعت» (حکمت‌نیا، ۲۸ تا ۲۹)؛ «مذاق شرع در کیفیت و اعتبار» (قادری، ۷۸ تا ۹۰)، «مذاق شریعت، جستاری در اعتبارسنجی و کارآمدی» (ستوده و عندلیب همدانی، ۱۰۶ تا ۱۴۱)؛ مقاله اخیر مورد نقد قرار گرفت و این نقد، در مقاله‌ای با عنوان «چیستی مذاق شریعت و آسیب‌شناسی فقهی آن» منتشر گردید (عشائری منفرد، ۱۱۵ تا ۱۳۹)، سپس مولف مقاله به این نقد، در مقاله‌ای با عنوان «استنادپذیری مذاق شریعت؛ تأملات و پرتوها» (ستوده، ۷۷ تا ۱۰۱) پاسخ گفت. این رفت‌وبرگشت علمی ثمرات مفیدی در تنقیح بحث مذاق شارع داشته است.

تمایز این مقالات با مقاله حاضر، در رویکرد الگوریتمی مقاله حاضر است؛ در هیچ‌کدام از منابع فوق، روش قدم‌به‌قدم برای کشف مذاق شارع ذکر نشده است.

۱/۴- فرضیه بحث:

پاسخ پیشنهادی این مقاله به مسأله بحث را می‌توان چنین بیان کرد:

برای کشف مذاق شارع، که نظام فکری شارع در تولید نظریه‌های فقهی است و حجیت آن از باب «تراکم قرائن منجر به ظن اطمینانی» است باید حداقل چهار مرحله اصلی^۶ زیر به ترتیب طی شود: ۱- عرضه موضوع و متعلق موضوع مورد نظر به اشباه و نظائر (براساس قرائت شیعی)

^۵ متن کتاب با این تعبیر است: «المراد من مذاق الشرع او ذوق الشرع، منهج الشارع و مشربه و طریقه التی نستکشف من مجموع احکامه و مبانیه و مواقفه او مجموعه منها، بحیث یمکن لنا تحدید موقف الشارع المقدس تجاه ما لم یخبرنا بموقفه فیه.»

^۶ این چهار مرحله در قسمت چگونگی اجرایی به ۱۵ دستورالعمل گسترش یافته است.

۲- عرضه به آیات الاحکام و جدول قواعد فقهی ۲- عرضه به مقاصد الشریعه ۳- عرضه مساله به مصالح و مفاسد (براساس قرائت شیعی) ۴- عرضه به «الاولویات»؛ مقصود از «عرضه مساله» نیز اجرای عملیات کشف «میزان تناسب حکم و موضوع» است.

۱/۵- ساختار مقاله نیز از بررسی و تحلیل تعریف مذاق آغاز شده و تمایز آن با موارد مشابه مانند استحسان و تنقیح مناط ارائه می‌شود، سپس به بررسی و تحلیل مراحل کشف مذاق پرداخته خواهد شد و در نهایت نیز این مراحل در ضمن مساله فقهی «حکم رجوع در هبه زوج به زوجه» تطبیق خواهد شد.

بدنه بحث:

۲/۱- بررسی و تحلیل هویت «مذاق شارع» (شاخص‌های مذاق شارع و زیرساخت‌های آن)

صاحب جواهر در عبارتی که از ملخص آن، توصیف مذاق شارع به دست می‌آید چنین آورده است: «فقیه حرفه‌ای که راه و روش و طرز گفتارهای شارع را می‌شناسد برای بسیاری از احکام از اصول کلیه‌ای که از چهارچوب‌های شارع آمده است استفاده می‌کند.»^۷ (نجفی، ۱۳۸۴)؛ این تعبیر و تعابیری که در تعریف اولیه از مذاق شارع در قسمت مفاهیم در همین مقاله آمد به یک هسته مرکزی اشاره دارد که عبارتست از: «طرز تفکر و عملکرد منضبط» که مبتنی بر اصول و چهارچوب‌های پیشینی است، بالخصوص با توجه به نمونه استنادهایی که فقهاء در تحلیل‌های خودشان داشته‌اند مانند استناد به عقلایی بودن، کرامت و آبروی انسان، همسو بودن با عدالت، همسو بودن با لطف الهی، انطباق با مصلحت، عدم ضرر و عدم عسرو حرج، لزوم هدایت مردم، احترام نعمت‌های الهی و

این توصیف از هسته مرکزی مذاق شارع، در زیرساخت‌ها همسو با اصطلاحی مانند: «نظام فکری، الگوی معرفتی و پارادایم» است، و در لایه بعد از زیرساخت‌ها، همسو با اصطلاحی مانند: «نظریه‌های پشتیبان و راهنما» است.

توضیح:

هر دیدگاهی مبتنی بر مبادی تصویری و تصدیقی است؛ از این مبادی تصدیقی به «نظریه‌های پشتیبان» تعبیر می‌کنیم و هر کدام از مبادی تصدیقی، مبتنی بر اصول موضوعه‌ای است که منتهی به بسته گزاره‌ای پایه عمومی می‌شود (یعنی گزاره‌های عقلی بین و گزاره‌های وجودشناسانه منتهی به بدیهیات و ملحقات آنها)؛ مثلاً دیدگاه «تبعیت احکام از مصالح و مفاسد واقعیه» که در دانش اصول فقه در بحث حجیت و جعل احکام ظاهری به کار می‌رود، مبتنی بر نظریه «مطابقت تشریح و تکوین» و آنهم مبتنی بر نظریه «جریان حکمت الهی در تشریح» و آنهم مبتنی بر نظریه «جریان حق در هستی»، و آنهم مبتنی بر نظریه «مساوقت حق با صرف-الوجود» (یا هر تقریر دیگری در تعریف وجودشناسانه «حق») است. در فضای فقه نیز مثلاً «اثبات جرم» مبتنی بر حداقل چهار قاعده فقهی است که عبارتند از: قاعده یمین (البینه علی المدعی و الیمین علی من انکر)، قاعده دوگانه اقرار (اقرار العقلاء علی انفسهم جایز، و لا انکار بعد الاقرار) و قاعده درء (الحدود تُدرء بالشبهات)؛ که خود قاعده یمین، مبتنی بر قاعده «اصاله الصحه»

^۷ عین عبارت ایشان چنین است: «لا یخفی علیک أنه لا یلیق بالفقیه الممارس لطریقه الشرع العارف للسانه أن یتطلب الدلیل علی کل شیء شیء بخصوصه من روایة خاصه و نحوها، بل یکتفی بالاستدلال علی جمیع ذلک بما دلّ علی تعظیم شعائر الله، و بظاهر طریقه الشرع المعلومه لدی کلّ أحد.»

است و آنهم مبتنی بر نظریه کارکردگرایانه «نیاز بقاء جامعه به غلبه خیر» یا نظریه انسان‌شناسانه «غلبه فطرت و خیر بر هوای نفس و شر در انسان» است، و آنهم مبتنی بر نظریه «روح الهی بودن اصل وجود انسان» است. زیرساخت‌های هستی‌شناسانه، معرفت‌شناسانه، انسان‌شناسانه، روش‌شناسانه، ارزش‌شناسانه، شاکله یک «الگوی معرفتی و نظام فکری عام یا پارادایم» را ایجاد می‌کنند (حسین‌زاده، ۱۳۰۶)؛ و امتداد اول آن، «الگوی معرفتی و زیرساخت‌های علم تغذیه‌کننده» را شکل می‌دهد مانند دانش کلامی شیعی؛ و در امتداد دوم، «الگوی معرفتی و زیرساخت‌های علم تغذیه‌شونده» را ایجاد می‌کند مانند دانش فقه امامیه؛ و در امتداد سوم، نظریه‌های کلان در آن علم را شکل می‌دهد مانند فقه‌القرآن و القواعد الفقهیه؛ و در امتداد چهارم، حکم مسائل میدانی را تولید می‌کند مانند آراء و فتاوی فقهی. مذاق شریعت، برآیند این الگوهای معرفتی و این نظریه‌های کلان و هم‌چنین ترابط میان آراء میدانی فقهی است. در تعبیر دیگر:

«مذاق شارع»، برآیند فهم فقیه از شبکه‌ای از گزاره‌های دالّ بر: نظام معرفتی دین (خصوصیات شارع، خصوصیات انسان و جامعه) + مقاصد الشریعه + مجموعه آیات الاحکام + قواعد فقه + اولویت‌های شارع و مصلحت‌های او + اشباه و نظائر حکم + مجموعه احکام قطعی تعیین‌کننده مرزها (واجب و حرام) + مجموعه احکام قطعی تعیین‌کننده پسند شارع (مستحبات و مکروهات) + اصل‌ها در عقل عملی است.

براساس تعریف فوق، مشخص می‌شود که:

الف- مذاق شارع، اعم از مقاصد الشریعه، و اعم از مصالح، و اعم از اشباه و نظائر است.
 ب- اعتبار و حجیت مذاق شارع، از باب تراکم قرائن منجر به ظن اطمینانی است (نجفی، ۳۰/۳۱۰).
 ب- برای کشف مذاق شارع باید مجموعه‌هایی از گزاره‌های توصیفی و تجویزی شارع را بررسی کرده و برآیند گرفت؛ و از آنجایی که دست‌یابی به مهارت کشف مذاق شارع نیازمند احاطه بر این مجموعه‌هاست، به جهت نزدیک شدن به فضای عملیاتی، نمونه‌هایی از این موارد در قسمت بعد ارائه می‌شود و در ضمن آنها ترتیب عملکرد و نحوه برآیندگیری عرضه می‌گردد.
نکته مهم: استفاده از «مذاق شارع» در استنادات فقهی، پس از عدم احراز ظهور ادله نقلی، و دست نیافتن به مناسبت حکم و موضوع، و جاری نشدن تنقیح مناط، و اجرا نشدن مفهوم‌گیری از دلیل، و عدم وجود اجماع، و عدم احراز سیره قطعیه عقلائی در خصوص مسأله مورد نظر است؛ بنابراین استفاده از هر کدام از موارد فوق، برای کشف مذاق شارع به معنای خاص (در عرض ادله بودن)، صحیح به نظر نمی‌رسد؛ البته هر کدام از آنها مؤید مذاق شارع به معنی عام در مسأله مورد نظر است.

۲/۲- نمونه امتدادهای الگوهای فکری تشکیل‌دهنده مذاق شارع، و مراحل امتدادگیری:

۲/۲/۱- جدول زیر نمونه‌ای از امتداد مبانی کلامی در زیرساخت‌های دانش فقه است:^۸

ردیف	زیرساخت مورد نظر	نتایج و آثار
۱.	نمونه زیرساخت‌های مصدرشناختی دین:	هدف‌داری هستی و انسان هدف‌داری دین

^۸ ساختار این جدول از نظریه «ابتناء»، آیت‌الله رشاد اتخاذ شده است. (رک. رشاد علی‌کبر، نظریه ابتناء، نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، طهران،

ردیف	زیرساخت مورد نظر	نتایج و آثار
	<ul style="list-style-type: none"> عدالت، حکمت و لطف خداوند شؤون مختلف شارع 	<p>صدق و انطباق گزاره‌های خبری دین با واقعیت</p> <p>شان تعلیم، هدایت‌گری و رشد‌دهندگی دین</p> <p>تبعیت احکام از مصالح و مفاسد واقعی</p> <p>حسن و قبح عقلی</p> <p>وجود تناسب میان نیازها و امکانات و تکالیف</p> <p>اختصاص تشریح به خداوند</p>
.۲	<p><u>نمونه زیرساخت انتقال‌شناختی دین:</u></p> <ul style="list-style-type: none"> عصمت در دریافت وحی، فهم وحی، انتقال وحی عدم تحریف قرآن 	<p>معناداری گزاره‌های وحیانی</p> <p>حجیت ظاهر قرآن</p> <p>حجیت قول و فعل و تقریر معصوم</p> <p>معرفت‌بخشی زبان دین</p> <p>حجیت‌بخشی فهم روشمند دین</p>
.۳	<p><u>نمونه زیرساخت هویت‌شناختی دین:</u></p> <ul style="list-style-type: none"> فطری بودن دین هدایت‌گری دین حکیمانه و عقلانی بودن دین جهان‌شمولی دین کمال و جامعیت دین 	<p>قابل فهم بودن همگانی زبان دین</p> <p>استنطاق‌پذیری گزاره‌های دین</p> <p>محوریت ماتن در فهم متن</p> <p>وجود معیار برای سنجش صحت و سقم فهم از دین</p> <p>منسجم بودن شبکه گزاره‌های دین</p> <p>معناداری گزاره‌های دین در زمان‌ها و مکان‌ها و مصادیق دیگر</p>
.۴	<p><u>نمونه زیرساخت مخاطب‌شناختی دین:</u></p> <ul style="list-style-type: none"> حجیت عقل مختار بودن انسان مکلف بودن انسان شؤون مختلف انسان دنیایی بودن زیست‌گاه انسان 	<p>روشنمندی فهم دین</p> <p>خردپذیر بودن گزاره‌های دین</p> <p>اشتراک احکام میان همه انسان‌ها</p> <p>قبح عقاب بلا بیان</p> <p>توجه به کلیه ابعاد نیازهای انسان</p>
.۵	<p><u>نمونه زیرساخت فهم‌شناختی دین:</u></p> <ul style="list-style-type: none"> خطاب وحی به تمام انسان‌ها تا انتهای تاریخ خطاب براساس لسان متعارف بشری عقلانی بودن وحی چندلایه‌ای بودن وحی انسجام وحی 	<p>امکان فهم صحیح و ثابت از دین</p> <p>حجیت فهم روشمند از دین (معدّر و منجّز بودن)</p> <p>اعتبار عقل در فهم دین</p> <p>اعتبار قواعد عقلایی حاکم بر زبان در فهم دین</p> <p>امکان چندمعنایی در گزاره‌های دین</p> <p>شبکه‌ای بودن فهم در گزاره‌های دین</p>

۲/۲/۲- در مرحله اول، از الگوی کلامی فوق، امتدادگیری می‌کنیم که در این امتدادگیری می‌توان «مقاصد الشریعه و اهداف دین» را به دست آورد که ارائه مصادیق خاص برای خلقت و انسان و تشریح است؛ نمونه‌ای از این اهداف در جدول زیر بیان شده است:

ردیف	هدف استخراج شده	مستند روایی
۱.	خدا باوری، تفکر درباره خداوند، فهم خداوند، توحید	مَا بَعَثَ اللَّهُ أَنْبِيَاءَهُ وَرُسُلَهُ إِلَىٰ عِبَادِهِ إِلَّا لِيُعَلِّمُوا عَنِ اللَّهِ (كافی، ج ۱ ص ۱۶)
۲.	متوجه سازی به موقعیت انسان در هستی و مسئولیت هایش	لِيَسْتَأْذِنُوا مِنْهُمْ مِيثَاقَ فِطْرَتِهِ وَ يَذْكُرُوا لَهُمْ مَنْسَىٰ نِعْمَتِهِ وَ يَحْتَجُّوا عَلَيْهِمْ بِالتَّبْلِيغِ (همان، ج ۱ ص ۱۰)
۳.	فعال سازی عقل و ادراک، و عمل طبق یقین و آگاهی	يَشِيرُوا لَهُمْ دَقَائِنَ الْعُقُولِ (نهج البلاغه صبحی صالح، ص ۴۳)
۴.	حرکت دادن به سمت خوبی ها و جلوگیری از حرکت به سمت بدی ها	غَايَةُ الدِّينِ الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ إِقَامَةُ الْحُدُودِ. (مستدرک الوسائل، ج ۱۲ ص ۱۸۵)
۵.	حرکت دادن قلب به سمت تمرکز بر خداوند	غَايَةُ الدِّينِ الْإِيْمَانُ (غرر و درر آمدی، ص ۴۶۸) الدعاء عماد الدين (صحيفة الامام الرضا عليه السلام، ص ۶۵)
۶.	فهم پیام خداوند	عرصه الاسلام القرآن (كافی، ج ۲ ص ۴۶)
۷.	همیاری و همراهی و مدد رسانی به یکدیگر، استحکام و گسترش ارتباطات	العدل، الاحسان، التعاون، البر، صلة الارحام، الصداقه
۸.	وفای به عهد، امانتداری، صداقت	الوفاء بالعهد، اداء الامانه، الصدق (كافی، ج ۱ ص ۸۶)
۹.	روحیه تسلیم در برابر حق	غَايَةُ الْإِسْلَامِ التَّسْلِيمُ (همان منبع)
۱۰.	مدیریت تمایلات و احساسات	التقوى و الورع (عماد الاسلام الورع) (همان، ج ۲ ص ۸۴)
۱۱.	ارتباط مستحکم با کانون ای علم و حیات ملکوتی	أَسَاسُ الْإِسْلَامِ حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ (همان)
۱۲.	حذف عادات تولید شده بر اساس خودمحوری (عاق والدین، قتل، تهمت، زنا، ربا، غصب، فرار از حق، سحر و جادو، دروغ، دزدی، کتمان حق، شراب خواری، قضاوت به ناحق، ...)	مَا مَحَقَّ الْإِسْلَامَ مَحَقَّ الشَّحِّ شَيْءٌ؛ (همان) من الكبائر عقوق الوالدين، قتل النفس التي حرم الله، اكل مال اليتيم و (همان، ج ۲ ص ۲۸۷)
۱۳.	رشد دادن مردم	اسْتِصْلَاحُ أَهْلِهَا (تحف العقول، ص ۱۲۶)
۱۴.	پیشرفت، توسعه و آبادانی، تولید ثروت	جبايه خراجها؛ عِمَارَةٌ بِأَرْضِهَا (همان)
۱۵.	ایجاد امنیت	مُجَاهَدَةٌ عَدُوَّهَا (همان)
۱۶.	بقاء نسل، بقاء نفس، بقاء دین، بقاء عرض، بقاء جامعه، بقاء مال و ...	صِلَةَ الْأَرْحَامِ مَنَّمَةٌ لِّلْعَدَدِ، الْقِصَاصَ حَقْنًا لِّلدَّمِ، الْحَجَّ تَشْنِيَةً لِّلدِّينِ، تَرْكُ السَّرْفَةِ إِيجَابًا لِّلْعِفَّةِ، الطَّاعَةَ نِظَامًا لِّلْمَلَّةِ، تَوْفِيَةَ الْمَكَايِلِ وَ الْمَوَازِينَ تَغْيِيرًا لِّلْبُحْسَةِ (من لا يحضره الفقيه، ج ۳ ص ۵۶۸)
۱۷.

«شاطبی» از فقهاء مالکی درباره اهداف دین، کتابی به نام «الموافقات» تالیف کرده است و برخی از قواعدی که از اهداف

شریعت به دست می آیند را چنین توصیف کرده است (تلخیص ۱۶۹ تا ۱۹۶):

- شارع در پی تامین ضروریات فردی، نیازمندی های فردی و جمعی و عوامل رشد است.
- شارع در پی جلوگیری از اخلال و فساد در زندگی، از بین بردن سختی ها و ایجاد گشایش است.
- ضروریات فردی پنج مورد است: حفظ دین، نفس، عقل، مال، ناموس
- قصد شارع مشکل سازی و زحمت برای بندگان نیست.

- اصل در احکام بر اعتدال و میانه‌روی است.
- ارزش اعمال به اهداف ملحوظ شده در آنهاست.
- هر چه مکمل مقصودی شرعی باشد، خود نیز بالتبع مقصود خواهد بود.
- سکوت شارع یعنی قصد توقف در قانون‌گذاری در همان حد.
- قصد شارع استمرار در اعمال است لذا باید عملی متعادل وضع نماید تا قابل استمرار باشد و البته مشقت هر عمل با زمینه و هدف آن عمل و موقعیت روحی مکلف در آن سنجیده می‌شود و نسبت‌گیری می‌گردد.
- مراعات نکردن اهداف کم‌اهمیت‌تر، زمینه‌ساز مراعات نکردن اهداف مهم خواهد شد. (مقاصد میانی، قرقگاه مقاصد اصلی هستند.)

نظریه «مقاصد»، به مجموعه معارف و احکام، همبستگی و جهت می‌دهد و هرم مصلحت و مفسده واقعی را براساس نظر دین برپا می‌کند. شریعت که مبتنی بر حکمت الهی است باید به صورت یک نظام مجموعی که با اهداف خود هماهنگ است ارائه شده باشد. هدف شارع خارج نمودن نفوس از اطاعت هوی نفس و ورود در اطاعت عقل است شرع کشش‌های حیوانی نفس را مهار و معتدل می‌کند. پس هر عملی که در پی هوی نفس باشد باطل است. شارع از مکلف می‌خواهد که قصدش در عمل موافق با هدف شارع در تشریح باشد.» (ریسونی، تلخیص ۱۶۹ تا ۱۹۶).

۲/۲/۳- در مرحله دوم، از الگوی مقاصد الشریعه امتدادگیری می‌کنیم، که در این امتدادگیری تاثیر مقاصد الشریعه در قاعده‌سازی برای فقه به دست می‌آید (شکل‌گیری القواعد الفقهیه). بیش از صد قاعده فقهی وجود دارد که جدول زیر برخی از آنها را با اشاره به نقطه ارتباطی با اهداف دین ارائه کرده است:

ردیف	نام قاعده	توضیح	هدف مرکزی این قاعده
۱.	الإبراء	اسقاط حق خود از ذمه دیگری جایز است.	تسهیل در روابط و اختلافات
۲.	الإتلاف	اگر کسی مال دیگری را تلف کند ضامن است.	حفظ اموال و حقوق
۳.	احترام مال المسلم و عمله	اگر کسی برای انسان کاری انجام داد باید اجرت او پرداخت شود	حفظ حقوق و کرامت انسان
۴.	الإحسان	کسی که حُسن فاعلی دارد توبیخ نمی‌شود.	ایجاد استحکام در روابط اجتماعی و مددکاری
۵.	أخذ الأجرة علی الواجبات	اجرت گرفتن برای کارهای واجب حرام است	ایجاد تسهیل برای دست‌یابی به حداقل‌های لازم
۶.	الإذن - الإذن فی شیء إذن فی لوازمه	اگر فردی اجازه تصرفی را داد، در حقیقت اجازه برای تصرف هر موردی که طبیعتاً یا عرفاً برای رسیدن به آن لازم است نیز داده است.	دقیق‌سازی در تصمیمات
۷.	اشترط البلوغ فی العقود و الإیقاعات	برای صحیح بودن عقد، طرفین باید بالغ باشند یا قیم داشته باشند.	اهمیت آگاهی در روابط
۸.	الاشتراك - اشتراك التكليف	مشترک بودن مخاطبین حاضر در زمان تشریح با مکلفین غائب و در زمان‌های بعد	اثبات ابدیت تکالیف شرعی

ردیف	نام قاعده	توضیح	هدف مرکزی این قاعده
۹.	أصالة اللزوم فی العقود و الإیقات - اللزوم	فسخ ناپذیری: بیان حالت طبیعی و عادی در عقود و ایقات	ایجاد استحکام در معاملات و روابط
۱۰.	الاضطرار - الضرورات تییح المحظورات	مباح شدن موارد غیر جائز در حال ضرورت	تسهیل در حالت اضطراری
۱۱.	الإعانة علی الإثم و العدوان	عدم جواز کمک کردن به گناه	جلوگیری از گناه
۱۲.	إقامة الحدود إلی من إلیه الحکم	اجراء حدود توسط حاکم	جلوگیری از هرج و مرج
۱۳.	الإقدام	عدم ضمانت شخص در صورت اقدام طرف مقابل به ضرر	تسهیل در مسئولیت‌ها
۱۴.	إقرار العقلاء - الإقرار	اگر فردی اقراری بر علیه خودش کرد، اعمال آثار آن لازم می‌شود	عدم تضییع حقوق
۱۵.	الأقرب یمنع الأبعد	اگر میتی ورثه نزدیک داشت، ارث به فامیل دورتر نمی‌رسد	ملاحظه روابط انسانی
۱۶.	الإکراه - رفع التکلیف عن المکروه	اگر فردی را به زور مجبور به کاری کردند، مسئول تبعات آن نخواهد بود.	اهمیت آزادی انتخاب و تسهیل در مسئولیت‌پذیری
۱۷.	الامتناع بالاختیار لا ینافی الاختیار	اگر کسی کاری را انجام داد و تبعاتی بدون اینکه او بخواهد برای آن ایجاد شد، باید مسئولیت تبعات را بپذیرد.	ضرورت محاسبه آثار کارها
۱۸.	الأهم و المهم	در تصمیم‌گیری‌ها، محاسبه نفع و ضرر و ضریب آنها باید صورت گیرد.	ضرورت محاسبات عقلانی
۱۹.	الاثمان - تصدیق الأمين فیما أوّتمن علیه	اگر کسی امین قرار گرفت، ادعایش در مورد امانت مورد قبول خواهد بود.	ترویج قبول امانت و امانت‌داری
۲۰.	بطلان العبادة بکل زیادة و تقیصة	اگر در عبادت کردن، تغییری ایجاد شود باطل خواهد بود.	اهمیت عمل طبق دستور

در نمونه دیگری از امتدادگیری از مقاصد الشریعه نسبت به قاعده‌سازی در فقه و تفقه‌ورزی چنین بیان شده است (ضیایی فر، فلسفه علم فقه، تلخیص ۱۷۷ تا ۱۷۸):

۱. هماهنگی و موافقت با اهداف دین، قرینه اعتباربخش بر خبر ضعیف می‌شود.
۲. مخالفت با اهداف دین، قرینه بر انصراف از ظهور مدلول ادله می‌شود.
۳. مخالفت با اهداف دین، مانع از انعقاد اطلاق در ادله می‌گردد.
۴. اهداف دین، به منزله دلیل حاکم بر ادله دیگر است.
۵. موافقت مضمون دلیل با اهداف دین، یکی از مرجحات هنگام تعارض دو دلیل می‌شود. (همینطور می‌تواند مرجحی بر موارد تراحم باشد.)
۶. موافقت با اهداف دین، قرینه تقویت‌کننده بر صدور دلیل از شأن ابلاغی شارع است. (و مخالفت با اهداف، قرینه بر وجود شأن دیگری است.)
۷. مخالفت دلیل با اهداف دین، قرینه بر تخصیص ازمانی دلیل می‌شود. (در زمان صدور، جهتی داشته که الان موجود نیست.)

۸. از اهداف شارع، می‌توان به کشف مناط دلیلی نزدیک شد. (تا بتوان دامنه دلیل را توسعه یا تضییق داد)

۹. از اهداف شارع برای تاسیس اصل می‌توان استفاده کرد.

۱۰. اهداف شارع، راهنمای قاضی و مفتی در خلاءهای قانونی است.

۴/۲/۲- در مرحله سوم، از الگوی مقاصد الشریعه به علاوه مجموعه قواعد فقهی، برآیند می‌گیریم که شاخص‌های «اولویت‌گذاری» حاصل می‌شوند؛ اولویت‌گذاری‌ها در جرح و تعدیل و برآیندگیری‌ها در تعارض‌ها و تزامم‌ها، نقش اصلی را ایفاء می‌کنند. نمونه‌ای از این اولویت‌بندی‌ها به صورت زیر است^۹ (علیدوست، فقه و مصلحت، تلخیص ۵۱۴ تا ۵۵۴):

۱. مصلحت مربوط به اصل دین و اسلام

۲. مصلحت مربوط به حفظ جان و عقل (با اولویت اجتماع و بعد خانواده و بعد فرد)

۳. مصلحت مربوط به حفظ آبرو و ناموس

۴. مصلحت مربوط به حفظ حقوق ذوی‌الحقوق (کسانی که مسئولیت آنها با انسان است).

۵. مصلحت امنیت، سپس سلامت، سپس دانش و آگاهی، سپس مال

۶. مصلحت عمومی، سپس خصوصی

۷. مصلحت پایدار و مستمر، سپس مصلحت موقت

۸. اولویت دفع مفسده بر جلب منفعت (محاسبه نفع و ضرر و ضریب آنها)

۹. ترجیح مصالح الزامی بر تحسینی

۱۰. ترجیح مصالح اخروی بر دنیوی

۱۱. ترجیح تسهیل بر تعسیر

برآیندگیری از مقاصد الشریعه و قواعد فقهی و مصالح، «عمومات فوقانی» را تشکیل می‌دهند که ستون فقرات تفقه و اجتهاد است و مقصود «اصل» در تعریف اجتهاد به «ردّ فرع الی الاصل»، (در مرحله دلیل‌یابی) همین عمومات فوقانی است.

۵/۲/۲- در مرحله چهارم از امتدادگیری، تطبیق عمومات فوقانی با اشباه و نظائر آن مسأله فقهی مورد بررسی قرار گیرد، یعنی یک عام فوقانی، چه مصادیق و مسأله‌هایی را در فقه تحت خود قرار داده و تعیین حکم کرده است. در اغلب کتاب‌های «القواعد الفقهیه» پس از بحث در مفاد قاعده و ادله حجیت آن، به نمونه تطبیقات آن پرداخته شده است.

در تعریف «اشباه و نظائر» آمده است که: موضوعات مختلفی که در یک حکم مشترکند و یا احکام مختلفی که به یک موضوع در یک محلّ تعلق دارند، شبه و نظیر یکدیگر شمرده می‌شوند (هاشمی شاهرودی، فرهنگ فقه، ۴۹۸۸).

^۹ این شاخص‌ها در بحث «تزامم» در علم اصول فقه مطرح شده‌اند؛ مرجحات باب تزامم در این زمینه بسیار راه‌گشا هستند. برخی از این مرجحات عبارتند از: ۱- کون أحدهما مقطوع الأهمیه أو محتملها ۲- أن یؤخذ القدره الشرعیة فی موضوع أحد المتزاممین دون الآخر ۳- أن یکون لأحدهما بدل اختیاری دون الآخر ۴- أن یکون لأحدهما بدل اضطراری ۵- أن یکون وجوب أحدهما عینیا و الآخر کفائیا بالذات ۶- أن یکون ظرف امتثال أحدهما و زمان إتیانه مقدا علی الآخر. (مشکینی، ۱۱۰)

استدلال به اشباه و نظایر برای اثبات حکم به صرف شباهت و همانندی، قیاس است و از نظر فقهای امامیه باطل است، لیکن فقها جهت بهتر فهمیدن حکم از دلیل و نزدیک شدن ذهن به واقع، از آن در فقه استدلالی به عنوان قرینه تکمیلی بهره گرفته‌اند. برخی فقیهان کتابی مستقل در موضوع اشباه و نظایر تدوین کرده‌اند مانند «نزهة الناظر فی الجمع بین الاشباه و النظائر» تألیف یحیی بن سعید حلّی (متوفای ۶۸۹ ق)؛ حتی برخی محققین در شروط اعلامیت در فقه چنین آورده‌اند: «المراد بالأعلم الأقوی ملکه و الاجود استنباطا لا الأكثر اطلاعا و حفظا نعم أكثرية الاطلاع على الأشباه و النظائر قد يكون لها مدخلية فی قوة الملکه و اجودية الاستنباط فتعتبر من هذه الجهة» ترجمه: «شاخص فقیه اعلم، مهارت بیشتر در کشف مراد شارع است نه وسعت معلومات او؛ البته احاطه بیشتر بر اشباه و نظائر می‌تواند زمینه‌ساز برای افزایش مهارت استنباط بشود.» (کاشف الغطاء احمد بن علی، ۱۳۸). نمونه تعابیر فقهاء در استفاده از اشباه و نظائر برای صدور حکم، چنین است: «هذا هو الذي يساعد عليه التبادر و ملاحظة سائر الأشباه و النظائر المساوقة للآية.» (لاری عبدالحسین، ۲۷۹۸)، «نمنع استبعاد اللازم لوقوع الأشباه و النظائر الكثيرة له فی الشرع» (همان، ۳۳۸۸)، «السند هو اعتبار الشرع و العقلاء فی الأشباه و النظائر» (خمینی، البیع، ۱۶۷/۴).^{۱۰}

در این مرحله، نسبت‌سنجی مساله مورد بررسی، با فهرست واجبات و محرمات قطعی و فهرست مستحبات و مکروهات قطعی و صحت و فسادهای قطعی، از ابزارهای مناسب برای ردّ احتمالات نامناسب و کشف احتمالات مناسب‌تر است.^{۱۱}

۳- چگونگی کشف مذاق شارع (الگوریتم یا مراحل قدم‌به‌قدم)

براساس مباحث فوق، برای کشف مذاق شارع در موضوعی که دلیل قطعی بر حکم آن نداریم براساس مناط قاعده «الاقرب یمنع الابعاد»^{۱۲}، مسیر برعکس مراحل امتدادگیری فوق‌الذکر را باید طی کنیم یعنی ابتدا به سراغ گزاره‌های خاص و نزدیک به موضوع می‌رویم و سپس به سراغ گزاره‌های عام؛ بنابراین موضوع مورد نظر، در قدم اول با اشباه و نظائر آن و فهرست واجبات و محرمات و صحت و فسادهای قطعی نسبت‌سنجی می‌شود، در قدم دوم با القواعد الفقهیه نسبت‌سنجی می‌شود، در قدم سوم با مقاصد الشریعه مقارنه می‌شود، در قدم چهارم با مبانی کلامی مقایسه می‌گردد و در نهایت، اگر هیچ نسبت و تناسبی با موارد فوق یافت نشد به سیره عقلاء و عرف (اصل عملی عقلی) مراجعه می‌شود.

مسیر قدم‌به‌قدم این کار را می‌توان به صورت زیر بیان کرد:

۱- مساله مورد بررسی به اجزاء آن تجزیه شود. (موضوع، محمول، متعلقات آنها)

۲- تعریف اجزاء مساله به دست آید.

(اگر اجزاء مساله از مواردی هستند که در کتب فقهی (یا کتب مربوط به علمی که مساله در فضای آن علم قرار دارد) تعریف دارند، به تعریف آنها در کتب فقهی مراجعه شده و مواردی که به واسطه قیدهای تعریف، خارج از تعریف شمرده شده‌اند به عنوان «اشباه

^{۱۰} این قلم تلاش کرده است در کتاب الگوریتم اجتهاد، مراحل قدم‌به‌قدم کشف اشباه و نظائر را به علاوه تطبیق بر یک نمونه فقهی ارائه نماید. (واسطی عبدالحمید، ۱۴۰۱ص ۳۴۲-۳۵۰)

^{۱۱} در این زمینه، مراجعه به کتابی مانند «حدود الشریعه الواجبات و المحرمات»، تألیف آصف محسنی محمد، ۱۳۸۷، قم، نشر بوستان کتاب، راه‌گشاست.

^{۱۲} این قاعده مربوط به باب ارث است لکن استعاره گرفته شده است برای هر جا که حکم دائرمدار سنخیت و شدت و ضعف موضوع است مانند «لأعلم فالأعلم»، «لأعدل فالأعدل»

و نظائر» آن موضوع ثبت شود. (مثلا در تعریف هبه آمده است که عقد است بنابراین اباحه مانند اطعام الضیف از تعریف هبه خارج است؛ پس فضای «اباحه» از موارد مشابه «هبه» است).

۳- هسته مفهومی^{۱۳} تعاریف در نظر گرفته شده و موضوعاتی که هم خانواده^{۱۴} با آنها هستند استقراء شود. (با مراجعه به جدول ابواب فقه، یا با استفاده از نرم افزار «درختواره فقه»، یا نرم افزارهای معجم موضوعی کتب فقهی^{۱۵} مانند معجم موضوعی وسائل الشیعه یا شرایع الاسلام یا عروه الوثقی؛ یا با مراجعه به فهرست موضوعات قرآنی و حدیثی^{۱۶}، یا با مراجعه به «اصطلاحنامه‌ها» در علمی که مساله در فضای آن علم قرار دارد).

۴- به محتوای هر کدام از عناوینی که در بالا ثبت شد مراجعه شده و مساله‌ای مشابه مساله مورد بحث جستجو شود. (مثلا در باب صدقه، جستجو شود که آیا رجوع از صدقه جایز است یا نه؟ یا در بحث هبه به ذی رحم، آیا رجوع جایز است؟)

۵- فهرست مسائل شبیه با حکم آنها و فرق آنها با مساله مورد بحث، به عنوان خروجی قرینه تکمیلی براساس «اشباه و نظائر» ثبت شود.

۶- به منابع مربوطه به «فقه القرآن و آیات الاحکام» مراجعه شود و آیات احتمالا مرتبط با مساله بحث بررسی شود.

۷- به منابع مربوط به «القواعد الفقهیه» مراجعه شده و قواعد خاص مربوط به باب متناسب با مساله بحث استخراج شود.

۸- جدول قواعد فقهی عام در نظر گرفته شود و هر کدام از اجزاء مساله با تک تک سطرهای جدول قواعد فقه، مرور شده و تناسب‌های نزدیک ثبت شود (دستیابی به عمومات فوقانی احتمالی).

۹- جدول اهداف دین در نظر گرفته شود و تعریف هر یک از اجزاء مساله با جدول اهداف دین، مقایسه گردد و نزدیک‌ترین هدف به «موضوع مساله و متعلق مساله و قیود مساله» از بین اهداف ذکر شده، استخراج شود (مثلا اقرب اهداف احتمالی به «هبه»، استحکام روابط اجتماعی است و اقرب اهداف به «زوجیت»، بقاء نسل و آرامش روحی است).

۱۰- اجزاء مساله با هم ترکیب شده و صورت اصلی مساله با جدول اهداف مقایسه شود و «ترکیب اهداف در مساله» استخراج گردد. (مثلا در مساله «هبه زوج به زوج»، ترکیب احتمالی اهداف چنین می‌شود: «استحکام روابط خانوادگی به هدف ایجاد آرامش»)

۱۱- انواع حکم احتمالی برای مساله در نظر گرفته شود (مثلا در هبه زوج به زوج، حکم جواز رجوع و عدم جواز رجوع، تصور می‌شود).

^{۱۳} مقصود از «هسته مفهومی»، جنس منطقی تعریف به علاوه متعلق آن جنس است؛ مثلا در تعریف زوجیت، «عقد یا اعتبار رابطه» جنس تعریف است و این جنس به «ارتباط بین مرد و زن» تعلق گرفته است. (اما نوع رابطه که نکاح باشد، فصل تعریف است که در این مرحله با آن کار نداریم).

^{۱۴} مثلا صدقه شبیه هدیه است، قرض شبیه هبه است، وصیت شبیه هبه است؛ عقد زوجیت شبیه عقد بیع است، رجوع شبیه فسخ و خیارات است، زوجیت شبیه رحمیت است.

^{۱۵} بسته به فضای مساله و موضوعی که مورد تحقیق قرار دارد (حدیثی، قرآنی، کلامی، فلسفی، تاریخی، جغرافیایی، طبی، ...)، نرم افزار مرتبط انتخاب می‌شود مثلا معجم موضوعی المیزان، معجم موضوعی تفاسیر، معجم موضوعی حکمت اسلامی، درختواره کلام اسلامی، معجم موضوعی بحارالانوار، معجم موضوعی ریاض المسائل.

^{۱۶} در مواردی که مساله مورد بحث، مستقیما در فضای فقهی قرار ندارد.

۱۲- آثار محتمل مثبت (مصلحت) بر هر کدام از حالات حکم حدس زده شود^{۱۷}، و این اثر با جدول اهداف دین مقایسه شود که آیا نظیری دارد؟ (مثلاً اثر مثبت بر جواز رجوع، می‌تواند از بین رفتن برخی عوامل استمرار اختلاف به واسطه احساس اتلاف اموال هبه شده، باشد و این معنا با هدف «رفع اختلافات» در تشریح احکام مناسبت دارد).

۱۳- آثار محتمل منفی (مفسده) بر هر کدام از حالات حکم در نظر گرفته شود و این اثر با جدول اهداف دین مقایسه شود که آیا نظیری دارد؟ (مثلاً اثر منفی جواز رجوع، ایجاد بغض در اثر صرف توجه واهب از موهوب‌الیه و در نتیجه گسست روحی خواهد بود که با هدف «استحکام روابط انسانی» در جدول اهداف دین تنافی دارد).

۱۴- به «ترتیب اهمیت‌ها»، در اهداف شارع مراجعه شده و میزان اهمیت آثار منفی و آثار مثبت بر هر کدام از حالات حکم استخراج شود. (روش محاسبه چنین است: اثر منفی در کدامیک تخریب بیشتری ایجاد می‌کند؟ و هم‌چنین احتمال برطرف شدن اثر منفی در کدامیک بیشتر است؟)

براساس برآیند موارد فوق، حکم به مذاق شارع در مساله صادر گردد.

۴- تطبیق روش ذکر شده در کشف مذاق شارع، بر مسأله «حکم رجوع زوج از هبه به زوجه بعد القبض و قبل التلف»

بررسی این مساله با این فرض انجام می‌شود که در جمع دلالتی میان ادله باب مربوطه، نتیجه قطعی حاصل نشده باشد لذا طبق مراحل فوق‌الذکر عمل می‌شود:

۱- ابتدا تعریف موضوع «هبه» و «زوجیت» را احضار می‌کنیم: تعریف زوجیت عبارتست از: «اعتبار الارتباط بین الرجل و المرأة فی النکاح بالایجاب و القبول»؛ و تعریف هبه عبارتست از: «اعتبار الواهب اعطاء ماله او حقه او منفعة له، بغیر عوض، للموهوب له بشرط قبوله، من غیر لحاظ قصد القربه»

در تعریف «هبه»، مواردی به واسطه فصل‌های تعریف، از تعریف خارج شمرده شده‌اند مانند: «الهبه عقد ثمرته تملیک العین منجزاً مجاناً مجرداً عن القرية، فتخرج العارية و الإجارة و الوصية و البیع و شبهه و الصدقة بأنواعها، و یعتبر عنها بوهبت و ملک و اهدیت و نحل و أعطیت، و تسمى نحلاً و هذا لك مع القصد فی ذلك كله» (مکی عاملی (شهید اول)، موسوعه، ۲۲۹/۸۰).

۲. هسته مفهومی تعاریف را استخراج می‌کنیم:

هسته مفهومی زوجیت = اعتبار ارتباط بین الرجل و المرأة (عقد بین الرجل و المرأة)

هسته مفهومی هبه = اعتبار اعطاء المال (لا التملیک)

موضوعات هم‌خانواده هر یک را با مراجعه به جدول ابواب فقه و نرم‌افزارهای موضوعی (قسمت مرتبطات) استقراء می‌کنیم^{۱۸}:

موضوعات هم‌خانواده یا ضد با «زوجیت و نکاح» عبارتند از: بیع (به معنی عام که شامل تمام اقسام مبادله می‌شود)، ذی‌رحم، طلاق^{۱۹}. موضوعات هم‌خانواده با «هبه» عبارتند از: بذل، صدقه، عطیه، الرشوه، البیع، العمری، النحل، عاریه، اجاره، وصیت.

^{۱۷} تلاش برای کشف دلالت‌های التزامی و نسبت‌سنجی آنها با مقاصد منصوص.

^{۱۸} نرم‌افزار نورالشریعه که حاوی شرایع و شروح آن است، بیشترین نمایه‌ها و مرتبطات را ارائه کرده است و هم‌چنین نرم‌افزار نورالفقاهه، در قسمت «کتاب مکاسب»، به سبب وسعت تحلیل‌های کتاب مکاسب، بیشترین مرتبطات را در باب عقود و معاملات ارائه کرده است.

^{۱۹} بررسی موارد «ضد» از جمله قرائنی است که از باب «تُعرف الاشياء باضدادها»، برای کشف الاشبه و النظائر راه‌گشاست.

۳. به محتوای هر کدام از عناوینی مشابه هبه مراجعه می‌کنیم و مساله‌ای مشابه مساله مورد بحث را جستجو می‌کنیم: مثلاً بررسی حکم «رجوع در صدقه»: «المشهور بین الأصحاب عدم جواز الرجوع فی الصدقة بعد القبض، سواء كانت فرضاً أو نفلاً، وقال الشيخ فی المبسوط: صدقة التطوع بمنزلة الهبة فی جميع الأحكام» (صیمری، ۳۸۹/۲) یا بررسی حکم «رجوع در هبه به ذی رجم» که فقهاء حکم به عدم جواز رجوع داده‌اند. براساس عملیات فوق، می‌توان گفت: المتفاهم من الأشباه والنظائر، هو عدم جواز الرجوع.

۴. موضوع «هبه» و «زوجیت» را به مجموعه آیات الاحکام عرضه می‌کنیم تا تناسب‌های نزدیک استخراج شود؛ به کتاب‌هایی مانند «کنز العرفان فی فقه القرآن، فاضل مقداد»، «زبدہ البیان فی احکام القرآن، مقدس اردبیلی»، «فقه القرآن، راوندی» مراجعه شد و مورد زیر که نسبتاً مربوط به بحث است یافت شد: «الهبة جائزة لكتاب الله و للسنة فالكتاب قوله تعالى «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ» (مائده/۲) و الهبة من البر» (راوندی، ۲۹۵/۲) که این تعابیر دلالت بر جواز رجوع دارد. لکن آیه شریفه «وَ إِنْ أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَكَانَ زَوْجٍ وَ آتَيْتُمْ إِحْدَاهُنَّ قِنطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا أَ تَأْخُذُونَهُ بُهْتَانًا وَ إِثْمًا مُبِينًا» (نساء/۱۹)، براساس عمومیت نهی از اخذ (نکره در سیاق نفی)، به حسب ظاهر دلالت بر هر گونه اعطاء از جانب زوج دارد؛ لکن بر خصوص مهریه حمل شده است.

نتیجه اولیه از بررسی آیات الاحکام احتمالاً مرتبط با بحث این است که: ترجیحی برای عدم جواز رجوع در هبه زوجین به یکدیگر، به نظر می‌رسد.

۵. به کتاب «نصند القواعد الفقهیه، فاضل مقداد» مراجعه می‌کنیم تا بررسی شود که آیا قاعده خاصی در باب هبه یا باب نکاح و زوجیت، که تناسب بیشتری با مساله داشته باشد وجود دارد یا نه؟ نتیجه بررسی این بود که ارتباط معناداری یافت نشد. به کتاب «القواعد و الفوائد» شهید اول، مراجعه شد، مورد زیر که نسبتاً مرتبط با بحث بود یافت شد:

«قاعدة ۲۴۳: الأصل فی البیع اللزوم، و کذا فی سائر العقود. و ینخرج عن الأصل فی مواضع لعلل خارجة: ... الهبة فی بعض صورها، لان نظام المصالح بجوازها، و إلا لرغب عنها أكثر الناس، للمشقة بلزومها» (مکی عاملی (شهید اول)، موسوعه، ۴۱۱/۵).
به کتاب «عوائد الایام» و کتاب «القواعد الفقهیه» مرحوم نراقی مراجعه شد، مورد متناسب با بحث یافت نشد. (غیر از تکرار قاعده ذکر شده از شهید اول)؛ به کتاب «العناوین الفقهیه» مراغی مراجعه شد، مورد زیر یافت گردید: «أن الهبة قد تكون لازمة، كما فی هبة ذی الرحم و الزوجین» (مراغی، ۱۶۳/۲)

نتیجه اولیه از بررسی قواعد فقهی خاص احتمالاً مرتبط با بحث این است که: ترجیحی برای عدم جواز رجوع در هبه زوجین به یکدیگر، به دست نیامد.

۶. موضوع «هبه» و «زوجیت» را به جدول قواعد فقه عرضه می‌کنیم تا تناسب‌های نزدیک استخراج شود؛ در نتیجه این عرضه، موارد زیر دارای تناسب نزدیک با مساله هستند:

- قاعده احترام مال المسلم ← نحوه ربط احتمالی: هبه، هویت تملیک ندارد لذا واهب می‌تواند براساس قاعده احترام، مال اش را پس بگیرد (شاهد به نفع حکم به جواز رجوع).

- **قاعده احسان** ← نحوه ربط احتمالی: کسی که هبه کرده است مصداق «محسن» است لذا اگر پس گرفت «ما علی المحسنین من سبیل» بر او جاری است (شاهد به نفع حکم به جواز رجوع).
 - **قاعده اسقاط الحق** ← نحوه ربط احتمالی: کسی که هبه کرده است، حق خود را در تصرف در موهوب، اسقاط کرده است و رجوع در هبه، نوعی تصرف است لذا حق رجوع ندارد.
 - **قاعده اقدام** ← نحوه ربط احتمالی: کسی که هبه کرده است در حقیقت اقدام به رفع ید از مال خود کرده است و طبق قاعده اقدام، باید متحمل ضررش که عدم جواز رجوع است بشود.
 - **قاعده تبعیه العقود للقصد** ← نحوه ربط احتمالی: در هبه، قصد تملیک وجود ندارد لذا واهب حق رجوع دارد.
 - **قاعده تسلیط** ← نحوه ربط احتمالی: شک داریم که در هبه، تملیک صورت می‌گیرد یا نه، لذا رجوع به قاعده فوقانی که تسلیط است می‌کنیم پس واهب حق استرجاع هبه خود را دارد (شاهد به نفع حکم به جواز رجوع).
 - **قاعده العدل و الانصاف** ← نحوه ربط احتمالی: انصاف این است که در هبه، واهب از مال خود صرف نظر می‌کند لذا حق ملکیت در او ساقط می‌شود پس حق رجوع ندارد.
 - **قاعده المومنون عند شروطهم** ← نحوه ربط احتمالی: هبه کردن در حقیقت نوعی تعهد و شرط عرفی است که واهب بدان ملتزم شده است که مال خود را در اختیار موهوب له قرار دهد و این تعهد و شرط، مقید هم نیست لذا باید به تعهد خود عمل کند و حق پس گرفتن ندارد.
- از هشت قاعده فوق، ۵ قاعده، تناسب بیشتری با «عدم جواز رجوع» دارند لذا برآیند احتمالات فوق در ارتباط با قواعد فقهی، به نفع «عدم جواز رجوع در هبه» است.
- ۶- به مرحله نسبت‌سنجی با اهداف دین و مقاصد الشریعه می‌رویم (بررسی نزدیک‌ترین هدف از جدول اهداف دین نسبت به هر یک از اجزاء)، و هر یک از اجزاء اصلی را با جدول اهداف می‌سنجیم:
- نسبت به زوجیت: تصریح آیه شریفه «خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (روم/۲۱) ← تناسب با هدف «هموارسازی زندگی ظاهری و باطنی»، و هدف «ایجاد زمینه لطافت روحی» ← بنابراین هر چه سبب ناهمواری و اضطراب شود و بالخصوص سبب «عدم الموده» گردد، نقض غرض شارع است.
- نسبت به هبه: تناسب با هدف «همدلی، همیاری، استحکام روابط» ← تمام آنچه سبب ایجاد کدورت شود مخالف با غرض شارع است.
- با ترکیب اجزاء مساله (هبه زوج به زوجه و بالعکس)، ترکیب اهداف اجزاء بدین صورت می‌شود: «ایجاد آرامش و استحکام در روابط خانوادگی» ← پس هر چه سبب تزلزل این آرامش و استحکام شود خلاف غرض شارع است.
- ۷- در نظر گرفتن انواع احتمالی آثار حکم در مساله:
- آثار مثبت بر جواز رجوع: می‌تواند از بین رفتن برخی عوامل استمرار اختلاف به واسطه احساس اتلاف اموال هبه شده، باشد و این معنا با هدف «رفع اختلافات» در تشریح احکام مناسبت دارد.
- آثار مثبت بر عدم جواز رجوع: عدم ایجاد کدورت و سوءظن نسبت به طرف مقابلی که هدیه داده است.

۶. آثار محتمل منفی (مفسده) بر هر کدام از حالات حکم و مقایسه آن با جدول اهداف:

اثر منفی در جواز رجوع: ایجاد بغض در اثر صرف توجه واهب از موهوب الیه، و در نتیجه، گسست روحی خواهد شد که با هدف «استحکام روابط انسانی» در جدول اهداف دین تنافی دارد.

اثر منفی در عدم جواز رجوع: استمرار اختلاف بواسطه احساس اتلاف اموال هبه شده، و تنافی این اثر با هدف «رفع اختلافات» در جامعه، در جدول اهداف دین.

۸- برآیندگیری براساس روش ارائه شده (الف- اثر منفی در کدامیک تخریب بیشتری ایجاد می‌کند؟ ب- احتمال برطرف شدن اثر منفی در کدامیک بیشتر است؟):

الف- اثر منفی ایجاد کدورت و سوءظن که ممکن است منجر به تزلزل خانواده شود، تخریب بیشتری ایجاد می‌کند، و به‌طور عرفی، احتمال تخریب‌های فوق‌العاده که ممکن است در اثر احساس اتلاف اموال هبه شده، در واهب پیش بیاید، کم است. پس حکم به عدم جواز استرجاع هبه، با مقاصد الشریعه سازگارتر است.

ب- احتمال برطرف شدن اثر منفی حاصل از استرجاع هبه (کدورت بین زوجین) در فضای زوجیت، به‌طور عرفی، بیشتر است؛ ولی احتمال برطرف شدن اثر منفی حاصل از عدم جواز استرجاع هبه (تعمیق کدورت ایجاد شده از قبل، به‌واسطه احساس تلف شدن اموالی که هبه کرده است)، به‌طور عرفی کم است پس: حکم به جواز رجوع در هبه، با مقاصد الشریعه سازگارتر است.

در موازنه میان ایجاد اثر تخریبی و احتمال برطرف شدن اثر منفی، عقل ملاحظه ایجاد اثر تخریبی را مقدم می‌دارد پس در بررسی اولیه، حکم به عدم جواز رجوع در هبه، با مصالح سازگارتر است.

ترکیب نتیجه نسبت سنجی با اشباه و نظائر، با نتیجه نسبت سنجی با قواعد و عمومات فوقانی، با نتیجه نسبت سنجی با مقاصد الشریعه، با نتیجه نسبت سنجی با مصالح و اولویت‌ها، نشان می‌دهد شاید بتوان گفت که: «مذاق شارح، عدم جواز رجوع در هبه زوجین به یکدیگر است».

نکته مهم: این نتیجه‌گیری، در مرحله احتمال‌پردازی و کشف قرائن است نه در مرحله صدور فتوا. در فقه شیعه، صرفاً براساس این تحلیل‌ها نمی‌توان فتوا داد، بلکه این تحلیل‌ها پس از مرحله تحلیل ادله و در مرحله «جمع ادله» بعنوان قرائن تکمیلی به کار می‌روند که خروجی‌های آنها در لسان فقهاء به‌صورت احوط، اقوی، اظهر و ... بیان می‌شوند. هم‌چنین اگر محقق نظر مخالف این نتیجه داشته باشد نیز باید طبق همین روش، نتیجه مخالف را به اثبات برساند (یعنی مناقشه صغروی است).

نتیجه‌گیری:

ماحصل مباحث فوق را می‌توان چنین بیان کرد:

الف- «مذاق شارح»، در حداقل حالت، برآیند نظام نگرشی و قانونی شارح است که از اصول کلامی، قواعد فقهی، اهداف دین، بررسی احکام مشابه و مرزهای تکلیفی (واجبات و محرمات)، تشکیل شده است.

ب- مذاق شارح اعم از مقاصد الشریعه و قواعد فقهی و مصالح است.

ج- مذاق شارح، قابل دقیق‌سازی است.

د- برای اکتشاف مذاق شارح باید ۱۴ مرحله به ترتیب اجرا شود.

ه- پس از طی مراحل فوق، احتمال اینکه مذاق شارع کشف نشود یا چیزی غیر از خروجی مراحل چهارده‌گانه باشد عملاً منتفی است و به نظر می‌رسد با ظن اطمینانی می‌توان به مذاق کشف شده استناد کرد.

نکته بسیار مهم پایانی این‌که: تشخیص معانی و تطبیق بر مصادیق نیازمند احاطه و ممارست با ادله است و در نهایت نیز فهم مراد شارع که ربط وحدت و کثرت، تکوین و تشریح را برقرار کرده است بدون ذوق فضای وحدت و ملکوت الهی (قوه قدسیه) به سرانجام نخواهد رسید. مباحث روش‌شناسانه و الگوریتمی، فرمول اجتهاد و فقاہت نیست بلکه صرفاً ابزاری برای دقیق‌سازی در استنباط و تفقه است. والحمد لله رب العالمین.

منابع:

* قرآن

۱. امیرالمومنین علیه السلام، تصحیح صبحی صالح. نهج البلاغه. قم: دارالهجره، ۱۴۱۲ق.
۲. ایروانی، علی. حاشیه المکاسب. قم: نشر کتبی نجفی، ۱۳۷۹ق.
۳. ایمان، محمدتقی. فلسفه روش تحقیق در علوم انسانی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳ش.
۴. آکسفورد. فرهنگنامه ریاضیات آکسفورد. لندن: دانشگاه آکسفورد، ۲۰۰۹م.
۵. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. غرر الحکم و درر الکلم. قم: دارالاسلام، ۱۴۱۰ق.
۶. حسین زاده، حسین. پارادایم، افسانه یا واقعیت؟. قم: موسسه امام خمینی، ۱۳۹۶.
۷. حکمت نیا، محمود. «مذاق شریعت». فقه و حقوق اسلامی. ش ۹، ۱۳۸۵. صص ۱۱-۲۸.
۸. حلّی، حسین. دلیل العروه الوثقی. نجف: مطبعه نجف، ۱۳۳۸ش.
۹. خمینی، روح الله. کتاب البیع. طهران: موسسه نشر آثار امام خمینی، ۱۳۹۲ش.
۱۰. ریسونی و اسلامی، احمد و سیدحسن. اهداف دین از دیدگاه شاطبی. قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶.
۱۱. شیخ انصاری، مرتضی. المکاسب. قم: کنگره شیخ انصاری، ۱۴۱۵ق.
۱۲. شیخ صدوق، محمد بن علی. من لایحضره الفقیه. قم: جامعه مدرسین حوزه، ۱۳۶۳ش.
۱۳. صیمری، مفلح بن حسن. غایه المرام فی شرح شرایع الاسلام. بیروت: دارالهادی، ۱۴۲۰ق.
۱۴. ضیایی فر، سعید. فلسفه علم فقه. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲.
۱۵. عشائری منفرد، محمد. «چیستی مذاق شریعت و آسیب شناسی فقهی آن». فقه اهل بیت، ش ۷۳، ۱۳۹۲، صص ۱۱۵ تا ۱۳۹.
۱۶. علی شاهی، ابوالفضل. مفهوم و حجیت مذاق شریعت در فرآیند استنباط احکام فقهی. قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۰.
۱۷. عندلیب همدانی و ستوده، محمد و حمید. «مذاق شریعت، جستاری در اعتبار سنجی و کارآمدی». فقه اهل بیت علیهم السلام، ش ۷۰، ۱۳۹۱، صص ۱۰۶-۱۴۱.
۱۸. فرهنگستان ادب فارسی. دفتر اول از لغات مصوب. طهران: فرهنگستان ادب فارسی، ۱۳۷۶.
۱۹. قادری، سیدرضی. «مذاق شرع در کیفیت و اعتبار». فقه. س ۲۰، ش ۴، ۱۳۹۲، صص ۷۸-۹۰.
۲۰. کاشف الغطاء، احمد بن علی. سفینه النجاه و مشکات الهدی. نجف اشرف: موسسه کاشف الغطاء، ۱۴۲۳ق.
۲۱. کاشف الغطاء، جعفر. کشف الغطاء عن مبهمات شریعه الغراء. اصفهان: نشر مهدوی، بی تا.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب. الکافی. قم: دارالحديث، ۱۳۸۷ش.
۲۳. لاری، عبدالحسین. التعلیقہ علی المکاسب. قم: موسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۸ق.
۲۴. لجنه الفقه المعاصر. الفائق فی اصول الفقه. قم: مرکز مدیریت حوزه قم، ۱۳۹۸ش.
۲۵. محقق اصفهانی، محمدحسین. حاشیه المکاسب. قم: ذوی القربی، ۱۴۲۷ق.
۲۶. مراغی، عبدالفتاح. العناوین الفقهیه. قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ق.
۲۷. مشکینی، علی. اصطلاحات الاصول و معظم ابحاثه. قم: الهادی، ۱۳۷۴ش.
۲۸. مکی عاملی شهید اول، محمد. موسوعه الشهيد الاول. قم: موسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۳۰ق.
۲۹. منسوب به امام رضا علیه السلام. صحیفه الامام الرضا علیه السلام. مشهد: کنگره جهانی امام رضا علیه السلام، ۱۴۰۶ق.

۳۰. نجفی, محمدحسن. جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. قم: موسسه دائره المعارف فقه اسلامی, ۱۴۲۱ق.
۳۱. نوری, حسین. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: موسسه آل البيت عليهم السلام, ۱۴۰۸ق.
۳۲. واسطی, عبدالحمید. الگوریتم اجتهاد. طهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی, ۱۴۰۱ش.
۳۳. ----- «ماهیت شناسی الگوریتم اجتهاد». جستارهای فقهی و اصولی. س ۶ ش ۱۹. ۱۳۹۹, صص ۲۲۱ تا ۲۴۷
۳۴. هاشمی شاهرودی, سید محمود. فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت عليهم السلام. قم: موسسه دائره المعارف فقه اسلامی, ۱۳۸۲.